**با امام باقر در سایه قرآن**

بدون شک سخنان معصومان و ائمه اطهار (علیهم السلام) هماره روشنگر معنای آیات نورانی قرآن کریم بوده است. در این مقاله‌ برآنیم با مشعل فروزان بیانات حضرت امام باقرالعلوم (علیه السّلام) آسمان‌ معرفت را بشکافیم و چندگام به حقیقت نزدیک شویم.

**زنگار دلها**

قرآن درباره مجرمان و گناهکاران جسور که به بهانه‌های واهی ازاجابت دعوت الهی سرباز می‌زنند، می‌فرماید:   
(کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون) چنین نیست که آنها گمان می‌کنند، بلکه کارهایشان همچون زنگاری بر دلهایشان نشسته ‌است. (و از درک حقیقت محروم گشته‌اند.) امام باقر (علیه السّلام) درباره ‌این آیه می‌فرماید:   
هیچ بنده مومنی نیست مگر آنکه در قلبش یک نقطه سفید (و نورانی) وجود دارد، پس آنگاه که از وی گناهی سرزند، در میان‌ آن نقطه سفید، نقطه سیاهی ایجاد می‌گردد. پس اگر توبه کند، آن‌سیاهی رخت‌ بر می‌بندد; و اگر در گناهان غوطه‌ور گردد، بر سیاهی ‌افزوده می‌شود تا آنکه تمام سفیدی را می‌پوشاند. وقتی سفیدی‌ پوشانده شد، دارنده چنین دلی دیگر هرگز روی سعادت را نخواهد دید و این است معنای سخن خداوند که می‌فرماید: (کلا بل ران علی‌قلوبهم ما کانوا یکسبون)

**فروش دین به دنیا**

در مورد متعددی از قرآن به آیاتی برمی‌خوریم که یهود را به ‌پیروی از قرآن فرا می‌خواند. در یکی از این آیات می‌خوانیم:   
«به آنچه نازل کرده‌ام (قرآن) ایمان آورید که تایید و تصدیق‌کننده کتابی است که شما با آن سر وکار دارید (توارت) و نخستین‌کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید و تنها در برابر من تقوا پیشه سازید.» امام باقر (علیه السّلام) در مورد شان ‌نزول آیه فوق می‌فرماید: برای حیی ‌بن اخطب و کعب بن اشرف و گروهی دیگر از عالمان یهود، هر ساله مجلس میهمانی بسیار مجللی ‌از طرف یهودیان ترتیب داده می‌شد. این افراد راضی نبودند، با تصدیق و تایید قرآن، آن منافع را از دست‌ بدهند. به همین جهت‌ تورات را تحریف کرده، آیاتی از آن را، که در زمینه اوصاف ‌پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله و سلّم) بود، به بهای ناچیز (مجالس و یا پولهایی که ‌به جیب آنها سرازیر می‌شد) فروختند.

**درس عبرت از انسانهای مسخ شده**

همان طور که می‌دانیم روحیه سرکشی و نافرمانی از دستوراهای ‌الهی و علاقه شدید به مال دنیا از ویژگیهای یهود بوده، آیاتی‌از قرآن بدانها اشاره کرده است، ماهیگیری در شنبه یکی از مظاهر این علاقه است: خداوند به یهود فرمان داده بود روز «شنبه‌» را تعطیل کنند؛ اما گروهی از آنها که کنار دریا می‌زیستند و مشمول حکم الهی بودند، دلشان نمی‌آمد آن روز از ماهیهای فراوان و چشمگیر بگذرند. اتفاقا روزهای شنبه ماهیهای ‌بیشتری می‌آمد. آنها با ترفند و حیله‌گری روز شنبه نیز ماهیگیری‌ می‌کردند تا آن‌که عذاب خدا آنها را فرا گرفت. در همین زمینه در قرآن چنین می‌خوانیم: قطعا حال کسانی (یهودیانی) که در روز شنبه نافرمانی کردند، دانستید. (و نیز به عذاب ما آگاه شدید که) به آنها گفتیم: همچون بوزینگان طرد شده در آیید و آنها چنین شدند.   
در آیه بعد از آن می‌فرماید: ما این جریان را مجازات و درس‌عبرتی برای پیش روی آن واقعه (ما بین یدیها) و پشت آن (ما خلفها) قرار دادیم.   
امام باقر (علیه السّلام) در توضیح ما بین یدیها و ما خلفها می‌فرماید:   
«مقصود از «مابین یدیها»، نسل آن زمان و مراد از«ما خلفها» ما مسلمانان هستیم. یعنی این درس عبرت مخصوص‌ بنی‌اسرائیل نبود و همه انسانها را شامل می‌شود.» در مرحله عمل‌روشن می‌شود هر فرد چه کاره است و تنها ادعای ایمان کافی نیست.   
آیا می‌توان باور کرد: کسی ایمان به خدا داشته باشد اما با دشمنان خدا دست دوستی دهد و آنها را محرم اسرار خویش سازد؟ در قرآن می‌خوانیم: آیا گمان کرده‌اید به خود واگذار می‌شوید و خداوند کسانی را که جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده او و مومنان محرم اسراری نگرفته‌اند، معلوم نمی‌دارد؟ و خداوند بدانچه انجام می‌دهید آگاه است.  
امام باقر (علیه السّلام) درباره آیه فوق‌ فرمود:   
جز خدا محرم اسراری نگیرید که در این صورت مومن نخواهید بود.   
همانا هر سبب و نسب (قرابت) و محرم اسرار گرفتن و بدعت و شبهه‌ای بریده خواهد شد مگر آن چیزی که قرآن آن را اثبات کرده‌است. (تقوا)   
گمان می‌نمایید آیا شما بگردید بی‌آزمایش رها؟ نکرده خدا تا به امروز فاش مقام شما را به سعی و تلاش کدامینتان هست مومن درست که از غیر یزدان خود دست ‌شست نگیرد دگر دوست غیر از خدا بجز مومنان و بجز مصطفی به هرکارتان هست‌ یزدان خبیر بود آگه از رازهای ضمیر نور نبوت و ولایت.  
در قرآن می‌خوانیم: او خدایی است که خورشید را مایه روشنایی و ماه را نوربخش قرار داد; هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا.   
امام باقر (علیه السّلام) درباره آیه فوق چنین می‌فرماید:   
خداوند زمین را به نور محمد (صلّی الله علیه و آله و سلّم) روشن ساخت، همان‌گونه که با نورخورشید آن را روشن گرداند. به همین جهت، محمد (صلّی الله علیه و آله و سلّم) را به خورشید و وصی‌اش علی(علیه السّلام) را به ماه تشبیه کرده است.

**رهبری، خار چشم دشمن**

حمله به رهبری امت اسلامی یکی از ترفندها و نقشه‌های اصلی‌ دشمنان دین است که از همان صدر اسلام در صدر توطئه‌های آنها قرار داشته است. در همین زمینه در قرآن می‌خوانیم:   
«منافقان از آن بیم دارند که آیه‌ای علیه آنها نازل شود و به ‌آنها از اسرار درونشان خبر دهد.» (ای پیامبر به آنها) بگو:   
استهزا و تمسخر کنید، خداوند آنچه را از آن بیم دارید آشکارمی‌سازد.   
و اگز از آنها بپرسی، (در توجیه کارشان) می‌گویند: ما شوخی ‌می‌کردیم و بازی. بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره ‌می‌کنید؟   
بگو: عذرخواهی دیگر سودی ندارد. شما پس از ایمان آوردن کافر شدید، اگر گروهی از شما را (به خاطر توبه) ببخشیم، گروه دیگری‌ را عذاب خواهیم کرد، زیرا آنها مجرمند.   
امام باقر (علیه السّلام) در شان نزول آیات فوق می‌فرماید:

گروهی از منافقان در جلسه‌ای سری برای کشتن پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله و سلّم) نقشه کشیدند که پس از برگشتن از جنگ تبوک در یکی از گردنه‌ها به ‌صورت ناشناس کمین کنند; شتر حضرت را رم دهند و حضرت را به قتل‌ رسانند. خداوند پیامبرش را از این نقشه مطلع ساخت و حضرت نیز دستور داد گروهی از مسلمانان مراقب باشند تا آنها را متفرق‌کنند. هنگامی که پیامبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم ) به محل مورد نظر (گردنه) رسید، عمار مهار شتر حضرت را در دست داشت و حذیفه از پشت‌سر، آن را می‌راند. در این هنگام، منافقان با صورتهای پوشیده هجوم‌ آوردند. پیامبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم ) به حذیفه فرمود: به صورت مرکبهای آنها بزن‌ تا دور شوند و حذیفه نیز چنین کرد. هنگامی که پیامبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم ) به ‌سلامت از گردنه گذر کرد، به حذیفه فرمود:   
آنها را شناختی؟ گفت: خیر، هیچ کس را نشناختم. سپس رسول‌خدا (صلّی الله علیه و آله و سلّم) نام همه آنها را برشمرد. حذیفه گفت: اکنون که چنین است‌ چرا گروهی را نمی‌فرستی آنها را به قتل رسانند؟   
فرمود: «دوست ندارم عرب بگویند هنگامی که محمد بر یارانش‌ پیروز شد به کشتن آنها پرداخت.»

**پیشتازان عرصه جهاد را دریابید!**

افرادی که درآمد زیاد نداشتند و به قول امام خمینی (رحمت الله علیه) « از پابرهنگان بودند» مخلص‌ترین یاران پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله و سلّم) شمرده ‌می‌شدند. آنها از دیار خود دل کنده، به خدا دل بسته بودند، در میدانهای کارزار از جان مایه می‌گذاشتند و وقت نداشتند تا دنبال منافع شخصی و سفرهای تجارتی بروند و برای خود کاخ ‌بسازند. لذا خداوند منان به مسلمانان دستور داده بود تا به ‌این دسته از برادران خویش کمک مالی کنند. در همین زمینه در قرآن می‌خوانیم:   
(انفاق شما، مخصوصا باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا در تنگنای (اقتصادی) قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند مسافرت (تجارت) کنند. و نا آگاهان آنها را، از شدت خویشتن‌داری، بی‌نیاز می‌پندارند، اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار از مردم چیزی نمی‌خواهند; و هر چیز خوبی را در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.   
امام باقر (علیه السّلام) فرمود: این آیه درباره «اصحاب صفه‌» نازل شده ‌است. کنار مسجد (پیامبر) صلّی الله علیه و آله و سلّم، روی صفه‌ای (سکوی بزرگی) جای ‌داشتند... و خداوند به مردم دستور داد از کمک به این دسته از بردران خود دریغ نورزند. آنها نیز چنین کردند.

برگرفته از: ماهنامه کوثر - مهر 1378، شماره 31   
منبع: حوزه نت